



کودتا در سودان

۳۳ روز پس از کودتای نافرجام در کشور سودان، این کشور بار دیگر شاهد وقوع یک کودتا بود و به گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی حداقل پنج مقام ارشد دولتی از جمله نخست‌وزیر توسط نیروهای نظامی در بازداشت خانگی قرار گرفته‌اند.

بنا بر گزارش الحدث، نظامیان ناشناس چهار وزیر کابینه سودان و یک نماینده عضو شورای حاکمیتی سودان را بازداشت کرده‌اند.

وزارت اطلاع‌رسانی سودان اعلام کرد که عبدا… حمدوک، نخست‌وزیر سودان پس از امتناع از صدور بیانیه‌ای در حمایت از کودتای نظامی به مکانی ناشناس منتقل شده‌است. نیروهای نظامی مشترک سودان، حمدوک را تحت حصر خانگی قرار داده‌اند و وی را وادار کرده‌اند یک بیانیه در حمایت از آنها صادر کنند.

اما حمدوک طی پیامی از مقر اقامت اجباری‌اش از سودانی‌ها خواسته به صلح پایبند باشند و برای دفاع از انقلابشان به خیابان بیایند. در پی وقوع این حادثه، معترضان با حمل پرچم ملی سودان در خیابان‌های پایتخت ضمن برپایی تظاهرات در مکان‌های مختلف شهر اقدام به آتش زدن لاستیک کردند. فرودگاه خارطوم تعطیل شده و پروازهای بین‌المللی نیز به تعویق درآمده‌است. تمامی تماس‌های تلفنی و اینترنتی در سودان قطع شده‌است. رسانه‌های سودانی از نشست فوری فرماندهان ارتش سودان برای بررسی تحولات جاری و بازداشت اغلب رهبران ارشد احزاب سیاسی و برقراری تدابیر امنیتی در خارطوم خبر می‌دهند.

در همین حال رئیس شورای حاکمیتی سودان، ساعاتی پس از کودتا در این کشور ضمن اعلام حالت فوق‌العاده از انحلال شورای حاکمیتی در این کشور خبر داد.

عبدالفتاح البرهان از تداوم اقدام نیروهای مسلح برای انتقال دموکراتیک قدرت و واگذاری آن به یک دولت منتخب خبر داد. به نوشته الجزیره، وی از یرکناری فرمانداران ایالت‌های مختلف خبر داد و خواستار برگزاری انتخابات در جوی ۲۲۳ شد و اعلام کرد مدیران کل در وزارتخانه‌ها و ایالت‌های کشور، مسؤولیت پیشبرد امور کشور را برعهده می‌گیرند. البرهان افزود: ما تا زمان برگزاری انتخابات، فضای مناسبی برای احزاب سیاسی ایجاد می‌کنیم.رئیس شورای حاکمیتی سودان همچنین فعالیت کمیته مبارزه با فساد را به حالت تعلیق درآورد و وعده تشکیل یک پارلمان انقلابی از جوانان را داد و گفت هیچ حزب بی نظامی، خواست و اراده خود را بر سودان تحمیل نخواهد کرد و برای حمایت از کشور به این ارتش نیاز است. وزارت فرهنگ و اطلاع‌رسانی سودان اعلام کرد این اظهارات عبدالفتاح البرهان، موید وقوع یک کودتای نظامی در کشور است. انتشار اخبار مربوط به کودتای جدید در سودان، مردم این کشور آفریقایی و ناظران بین‌المللی را غافلگیر کرد و نیروهای نظامی وابسته به عوامل کودتا در برخی نقاط خارطوم، پایتخت سودان مستقر شدند. این تحولات در حالی صورت گرفته‌که سودان در تاریخ ۱۱آوریل ۲۰۱۹ (۲۲ فروردین ۱۳۹۸) پس از تظاهرات گسترده مردمی در اعتراض به اوضاع نابسامان اقتصادی، شاهد عزل عمر البشیر، رئیس‌جمهور سابق سودان به دستور ارتش بود. سودان از ۱۲اگوست ۲۰۱۹ ۳۰مرداد ۱۳۹۸) وارد مرحله انتقالی شده که به مدت ۵۳ ماه ادامه خواهدداشت و قرار است اوایل سال ۲۰۲۴ انتخابات در این کشور برگزار شود. در حال حاضر قدرت بین ارتش، نیروهای مسلح و ائتلاف موسوم به الحریه والتغییر تقسیم شده‌است.

واکنش‌های بین‌المللی به کودتا

وقوع کودتا در سودان موجی از واکنش‌های بین‌المللی را به همراه داشت. سازمان ملل در بیانیه‌ای با صدور بیانیه‌ای، بازداشت رهبران سیاسی و غیرنظامی سودان از جمله نخست‌وزیر این کشور در پی وقوع کودتای نظامی را غیرقابل قبول خواند و خواستار آزادی فوری تمامی بازداشتی‌ها شد. اماونل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه هم با اعلام حمایت پاریس از دولت انتقالی سودان، کودتای نظامی در این کشور آفریقایی را محکوم کرد و خواستار آزادی سریع نخست‌وزیر سودان شد. جفری فلتمن، نماینده ویژه واشنگتن در امور آفریقا ضمن غیرقابل قبول خواندن کودتای نظامی در سودان، گفت هرگونه تغییر اجباری در دولت انتقالی سودان، حمایت‌های واشنگتن از این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



آمریکا از درون در حال از بین رفتن است

رئیس‌جمهور سابق آمریکا ضمن انتقاد از سیاست‌های بایدن در پذیرش پناهجویان، خواستار ازسرگیری ساخت و ساز دیوار مرزی شد که بایدن با روی کار آمدن به عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا، آن را متوقف کرد. دونالد ترامپ که در دوران ریاست‌جمهوری چهارساله خود، قوانین بسیار سختگیرانه‌ای را علیه پناهجویان اعمال کرد، در پیامی ایمیلی گفت: «کشور ما از درون در حال از بین رفتن است و هیچ‌کس برای توقف چنین چیزی کاری نمی‌کند. اولین کاری که باید انجام شود و خیلی سریع قابل انجام است، به پایان رساندن دیوار مرزی است.» / نیویورک‌پست



اولین پرواز از عربستان سعودی در فرودگاه بن‌گوریون تل‌آویو به زمین نشست

طیران ذلت

رسانه‌های صهیونیستی گزارش دادند اولین پرواز مستقیم از خاک عربستان به فلسطین اشغالی دیروز عصر در فرودگاه بن‌گوریون به زمین نشسته‌است. این پرواز توسط شرکت هواپیمایی جت ایرلاین امارات انجام شده و مبدأ پرواز ریاض، پایتخت سعودی بوده‌است. رسانه‌های اسرائیلی جزئیات بیشتری ارائه نکرده‌اند و هنوز مشخص نیست مسافران این پرواز چه افرادی را شامل می‌شود.عربستان سعودی سال گذشته در ادامه تلاش‌های خود به منظور هموار کردن مسیر برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی با عبور هواپیمای‌های این رژیم از حریم هوایی خود به مقصد امارات و بحرین موافقت کرده بود اما از مبدأ این کشور تاکنون پروازی به سرزمین‌های اشغالی انجام نشده بود.این کشور با انتقاد شدید گروه‌های مقاومت و مردم فلسطین مواجه شد. ملت فلسطین آن را خیانت بزرگ حکام سعودی به آرمان فلسطین خوانده‌اند.

حنیف غفاری

بین‌الملل

یک‌بام و دو‌هوی‌ای سعودی‌ها

پرواز اخیر در حالی در فرودگاه تل‌آویو به زمین نشسته‌است که ریاض هنوز رسماً عادی سازی روابط خود و رژیم اشغالگر قدس را اعلام نکرده‌است. با این حال مقامات کشورهای امارات و بحرین هر دو تصریح کرده‌اند عادی سازی روابط کشورهای عربی و تل‌آویو با عاملیت و مدیریت ریاض صورت می‌گیرد. فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان سعودی در آوریل ۲۰۲۱ گفته بود عادی سازی روابط با اسرائیل برای منطقه سودمند است. وی در عین حال تأکید کرد این عادی سازی به روند صلح اسرائیلی – فلسطینی بستگی دارد. در سال ۲۰۲۰ و بر اساس توافق سازش برخی کشورهای عربی مانند بحرین و امارات عربی متحده با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک برقرار کردند. صهیونیست‌ها نیز بارها از اقدامات ریاض در تلاش برای عادی سازی روابط کشورهای عربی با تل‌آویو، از محمد بن سلمان ولیعهد سعودی‌ها و دیگر مقامات این رژیم تقدیر کرده‌اند.



تناقض‌های منطقه‌ای ریاض

سعودی‌ها درحالی‌برای آشکارسازی نهایي و رسمی روابط خود و رژیم اشغالگر قدس لحظه شماری می‌کنند که به صورت هم‌زمان، مذاکرات منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی در جریان است. این مذاکرات تاکنون در چند دور برگزار شده و جمهوری اسلامی ایران در تمامی مذاکرات، نسبت به رویکرد غیرسازنده و هزینه‌ساز سعودی‌ها در خصوص بازکردن پای رژیم اشغالگر قدس به معادلات منطقه غرب آسیا و خلیج فارس هشدار داده‌اند. با این حال باید در نظر گرفت که سعودی‌ها به‌طور کلی در معادلات سیاست خارجی خود، نقش یک بازیگر مستقل را ایفا نمی‌کنند. دهه‌هاست که ریاض خود را متعلق به ساختار نامرتبی اما ملموسی می‌داند که واشنگتن و تل‌آویو در منطقه ترسیم کرده‌اند. بی‌دلیل نیست که در تمامی بحرانهایی که غرب و صهیونیست‌ها مولد آن بوده‌اند، ریاض نقش یک کاتالیزور و عامل تسریع‌کننده را ایفا کرده و هرگز خارج از این چارچوب رفتار نکرده‌است. حتی همگان به یاد دارند که در سال ۲۰۰۱ میلادی و زمانی که دولت جورج واکر بوش به بهانه مبارزه با تروریسم به افغانستان لشکرکشی کرد، سعودی‌ها بسیاری از اعضای القاعده(که سال‌ها از آنها در افغانستان و شبه قاره هند حمایت کرده بودند) را به قربانیان بازی صوری آمریکا در مبارزه با تروریسم خودساخته غرب تبدیل کرد. از ابتدای هزاره سوم، دولت‌های بوش، اوباما، ترامپ و بایدن هر یک به نوعی از پترو دلارهای رژیم سعودی برای اهداف توسعه‌طلبانه و مداخله‌گرایانه خود بهره‌مند شده و در این حال به ریاض متذکر شده‌اند که شیشه عمر بازماندگان عبدالعزيز در دستان سران کاخ سفید و رژیم اشغالگر قدس است.

ذبیح!... مجاهد، سخنگوی مرکزی طالبان شد

ذبیح!... مجاهده‌به‌عنوان سخنگوی مرکزی طالبان و انعام... حبیبی سمنگانی، احمد!... وثیق و اسدا... (بلال کریمی) در ارگ ریاست‌جمهوری به‌عنوان معاونان وی معرفی شدند. مجاهد پیش از این به‌عنوان معاون سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ و سخنگوی طالبان منصوب شده‌بود. تاکنون هیچ‌کشوری دولت موقت طالبان را به‌رسمیت نشناخته‌است. / فارس

یک ترکیب دردرس‌راز

همان گونه که اشاره شد، آشکارسازی روابط عربستان و رژیم اشغالگر قدس به معنای ایجاد موازنه قدرتی جدید در منطقه نیست زیرا تاکنون نیز این روابط خصوصاً در حوزه امنیتی و منطقه‌ای (در بالاترین سطح ممکن وجود داشته‌است. با این حال آشکارسازی این مناسبات، برای ریاض بی‌هزینه نیست!ترکیب رسمی سیاست‌های تل‌آویو و ریاض در یکدیگر، هزینه‌های رسمی عربستان را نیز در کنار هزینه‌های غیررسمی آن در بروز هر گونه مناقشه‌ای در منطقه خلیج فارس و غرب آسیا افزایش خواهد داد. فراتر از آن، آشکارسازی روابط ریاض و تل‌آویو به معنای پایبندنبودن سعودی‌ها نسبت به هرگونه تعهد و توافق منطقه‌ای با دیگر کشورها خواهد بود. هر چند به نظر می‌رسد سعودی‌ها سعی دارند خود را به مثابه یک بازیگر هوشمند منطقه‌ای معرفی کنند که قادر به تأمین منافع همه بازیگران غرب آسیا هستند، اما تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل به خوبی می‌دانند که این نقش‌آفرینی، حداقل از عهده سعودی‌ها برنخواهد آمد!ریاض در این معادله باید صرفاً میان دو گزینه دست به انتخاب برزند؛ نخست این‌که خود جزئی از بحران تلقی شود و آثار و تبعات بحران‌سازی‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه را در حوزه امنیت داخلی و منطقه‌ای خود بپذیرد.

دوم این‌که نه‌تنها از آشکارسازی روابط خود و تل‌آویو بپرهیزد، بلکه به سیاست غیررسمی خود مبنی بر تأمین مطلق منافع صهیونیست‌ها و آمریکا در منطقه پایان دهد.

در این معادله گزینه سومی برای عربستان سعودی متصور نخواهد بود و بهتر است سعودی‌ها ذهن خود را با طرح‌های تصنعی و خیالی برخی استراتژیست‌های آمریکایی و سعودی در این آوردگاه مشغول نکنند!

پازلی که به خلیج فارس ختم نمی‌شود

آشکارسازی روابط عربستان سعودی و رژیم اشغالگر قدس، دارای اطلاق منطقه‌ای نیست! به عبارت بهتر، نمی‌توان آثار این تصمیم را صرفاً در حوزه جغرافیایی غرب آسیا و خلیج فارس جست‌وجو کرد. از آنجا که سیاست کلان رژیم اشغالگر قدس و آمریکا، مداخله‌گرایی فرامنطقه‌ای در حوزه روابط بین‌الملل است، پای ریاض نیز به صورت خودکار به این بازی خطرناک باز خواهد شد. به‌عنوان مثال، سعودی‌ها نمی‌توانند در منازعه‌ای که در آسیای مرکزی و قفقاز(در منطقه‌ای به ظاهر دور از عربستان) رخ می‌دهد بی‌طرف نگاه دارند.

بنابراین، در اینجا نیز سعودی‌ها به‌طور طبیعی در اردوگاه دشمنان امنیت منطقه تعریف خواهند شد. در این میان ظاهر سازی سعودی‌ها برای دورنگاه داشتن خود از برخی منازعات، دردی را به سود خاندان حاکم بر ریاض دوانخواهد کرد. برخی تحلیلگران معتقدند که سعودی‌ها به اندازه‌ای قدرت تجزیه و تحلیل مسائل منطقه و نظام بین‌الملل را ندارند که بخواهند تفاوت بازی در پازل دشمنان و بازی در پروژه‌های دشمنان را درک کنند. تل‌آویو و واشنگتن، قطعاً از سعودی‌ها خواسته و نمی‌خواهند تا صرفاً در پروژه‌های جغرافیایی مشخص و محدود به بازیگر و کارگزار منطقه‌ای آنها تبدیل شود!آنها از سعودی‌ها خواسته‌اند تا به شریک بازی مداخله‌گرایانه غرب و تل‌آویو در تمامی نقاطی که نشانه‌ای از بحران در آن به چشم می‌خورد، مبدل شده و هیچ گونه تصمیمی را در حوزه امنیتی و سیاسی خود بدون چراغ سبز آمریکا و رژیم صهیونیستی اتخاذ نکنند.

اصلی‌ترین معضل سعودی‌ها

اصلی‌ترین معضل سران سعودی، به درک نکردن عمیق آنها نسبت به تحولات جاری در منطقه باز می‌گردد. ریاض هنوز مختصات نقطه‌ای را که به لحاظ استراتژیک و تاکتیکی در آن قرار گرفته‌است به‌خوبی نمی‌داند. ریاض در حالی دست به این خطای فاحش راهبردی زده‌است که دیگر بازیگری تعیین‌کننده در منطقه محسوب نمی‌شود. اگر قرار بود محاسبات منطقه‌ای و امنیتی سعودی‌ها در منطقه به تحقق می‌پیوست، امروز قاعدتا نه از بشار اسد در سوریه اثری باشد و نه از مقاومت اسلامی در فلسطین و لبنان، همچنین اگر آل‌سعود چنین قدرت مانوری داشت، امروز باید داعش و النصره سراسر سوریه و عراق و بین‌النهرین را تصرف می‌کردند و حکومت آل خلیفه در نامه کمترین تدفین‌گه‌ای درخصوص ادامه حیات سیاسی خود نداشت. فراتر از آن، اگر حتی ذره‌ای از پیش‌بینی‌ها و محاسبات اتاق‌های فکر سعودی‌ها به واقعیت می‌پیوست، جنگ یمن می‌بایست در عرض یک سال با انحلال انقلاب ملت یمن و شکست مقاومت پایان می‌پذیرفت. با این حال اکنون در منطقه اتفاقات دیگری رخ داده‌است که با پیش‌فرض‌های ذهنی سعودی‌ها در تعارض مطلق قرار دارد. بهتر است سعودی‌ها قبل از این‌که آخرین گلوله‌ها را به سوی کالبد نیمه جان خود شلیک کنند، کمی روی نقشه جنگ فرماندهان وزارت دفاع خود در یمن متمرکز شوند. بهتر است آنها شکست سنگین و پرهزینه خود در استان مأرب و حقیقتی به نام قطع اتصال مناطق جنوبی و شمالی یمن را مرور کنند! متوجه شوند کشوری که سال ۲۰۱۴ به آمریکا وعده داده بود در عرض کمتر از یک ماه یمن را به حیاط خلوت خود تبدیل خواهد کرد، اکنون چگونه در باتلاقی سهمگین و سخت گرفتار شده‌است.

بدون شک، هرگونه اقدامی در نظام بین‌الملل و به‌خصوص در حوزه امنیت منطقه، آثار و تبعاتی برای اتحادکنندگان آن تصمیم دارد. سعودی‌ها نیز از این قاعده مستثنای نیستند. شاید اگر سران سعودی واقعا در مسیر نادرست و رو به اضمحلالی که در پیش گرفته‌اند به‌سرعت یک دوربرگردان ایجاد می‌کردند، نسبت به بازگشت آنها به آغوش ملت‌های منطقه و جهان اسلام آمیدی وجود داشت اما فعلاً نشانه‌های چنین عقلانیتی میان سران سعودی مشاهده نمی‌شود.]

